روزنامه شرق

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۶ • ۱۹ جمادی‌الاول ۱۴۳۹ • ۶ فوریه ۲۰۱۸

سال پانزدهم • شماره ۳۰۸۰ • ۱۶ صفحه • ۲۰۰۰ تومان

سخنگوی وزارت خارجه خبر داد

تکذیب درخواست اروپا برای مذاکره موشکی با ایران

گروه سیاست: صبح روز گذشته نشست هفتگی سخنگوی وزارت خارجه برگزار شد. بهرام قاسمی در این نشست خبری درباره موافقت برای تشکیل کارگروهی با حضور سه کشور اروپایی و آمریکا برای اصلاح یا اضافه‌کردن موادی به برجام ...

صفحه ۲

پیمانه هسته‌ای، نخستین دیپلمات زن ایرانی

مصائب دیپلماتیک

گروه سیاست: «پیمانه هسته‌ای»؛ دیپلماتی خوشرو، پرکار و بی‌ادعا. در اواخر دهه پنجم زندگی‌اش به‌سر می‌برد. متولد خرمشهر با خانواده‌ای مذهبی است، بعد از دیپلم، در دانشکده فیزیک پذیرفته شد، اما به دلیل بی‌علاقگی به این رشته...

صفحه ۶

رئیس‌جمهوری:

تصور می‌کردند انقلاب با کشتار تمام می‌شود

صفحه ۲

در همایشی با حضور ابوالفضل بازرگان
حاتم‌قادری، عباس سلیمی‌نمین و محمد توسلی

پیدا و پنهان
حکم نخست‌وزیری بازرگان

صفحه ۱۵

تیترها

رئیس‌پلیس تهران:

برنامه‌ای برای دستگیری دراویش نداریم

صفحه ۲

احمد جنتی:

ناراحتم، چرا ما دستمان به دهانمان می‌رسد ولی برخی نمی‌رسد

صفحه ۲

ثبت رکورد «دلار ۴۸۰۰»

صفحه ۵

چرا مردم به علی دایی پول دادند؟

صفحه ۱۴

پایان جدول ۱۷

صفحه ۲

تلاش ناموفق برای عبور از گیت ریاست‌جمهوری

صفحه ۲

سرمقاله

هزارتوی نرخ ارز

بایزید مردوخی . اقتصاددان

صاحب‌نظران درباره علل افزایش نرخ ارز، دیدگاه‌های مختلفی دارند، اما درباره یک نکته تقریبا اتفاق نظر دارند؛ تقاضای مردم عادی که بر اثر التهابات روانی، سراغ خرید ارز رفته‌اند، از ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار فراتر نمی‌رود. تأمین این تقاضا، اساسا نمی‌تواند به جهش نرخ ارز منجر شود و نیازمند استقرار نیروهای انتظامی در مراکز فروش آن در کلان‌شهرها و در میدان ۱۵ خرداد یا چهارراه استانبول تهران است. این تقاضا در مراکز و بخش‌های دیگری وجود دارد که بانک مرکزی و دولت باید به شکل ارزی و ریالی، آن را تأمین کنند. فشار بی‌امان مصارف داخلی در حوزه پرداخت حقوق، صندوق‌های بازنشستگی و یارانه ماهانه، موضوعی نیست که بتوان با آن با مماشات برخورد کرد. در این شرایط تقویت و حتی حفظ ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی، به‌عنوان پدیده‌ای غیراولویت‌دار در نظر مجریان جلوه خواهد کرد. منابع دولت مشخص است؛ یا درآمد حاصل از نفت است که آن‌هم به‌سادگی نقل‌وانتقال وجوه دریافتی‌اش امکان‌پذیر نیست یا مالیات و صادرات غیرنفتی است که آن‌هم معمولا یا گاهی تحقق پیدا نمی‌کند یا در تحقق تأخیر دارد. در دولت اصلاحات که نگارنده در سازمان برنامه و بودجه فعالیت می‌کرد، هزینه‌های دولت به‌اندازه امروز نبود. امروز هزینه‌های جاری افزایش زیادی داشته و تأمین منابع پرداخت یارانه نقدی نیز بر گرده دولت سنگینی می‌کند؛ مصارفی که با توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی، کاستن از آن به‌غایت دشوار است. با وجود این هزینه‌های جاری، همچنان نرخ بیکاری نیز خودنمایی می‌کند. نرخ بیکاری در تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد؛ این موضوع یا در پروژه‌های عمرانی دولت محقق می‌شود که درحال‌حاضر با کمبود اساسی مواجه است یا از سوی بخش غیردولتی باید دنبال شود. بخش عمده‌ای از منابع بخش خصوصی به‌جای سرمایه‌گذاری در تولید و ایجاد اشتغال، به سمت ساخت برج، مال و پاساژهای لوکس در تهران و کلان‌شهرها حرکت کرده است و شاهد اولویت‌گذاری در این حوزه از سوی خود مردم نیستیم. دولت بنای دخالت در امور شهروندان را ندارد، اما سوءاستفاده از این دخالت‌نکردن نیز می‌تواند بهای گزافی برای کشور و مردم داشته باشد. الگوی تجملی و مسابقه ارتقای خودرو، مسکن و سبک زندگی تا روستاها گسترده شده است. در این شرایط، تأمین منابع برای دولت آسان نیست و ناچار باید سراغ محل‌های جدید کسب درآمد برود. افزایش نرخ ارز در کنار فشار تقاضای داخلی می‌تواند دستاورد دولت در تک‌رقمی‌کردن تورم را نیز به خطر بیندازد، اما از آن گریزی نیست. البته می‌توان نرخ ارز را در بودجه به شکل واقع‌بینانه تعیین کرد، اما ممکن است به‌لحاظ اجتماعی و سیاسی این امر ممکن نباشد و دولت نمی‌تواند واقعیت‌های موجود ارز را به‌عنوان یک هدف رسمی اعلام کند. فراموش نکنیم سپرده‌هایی در بانک‌ها وجود داشته که بر اثر کاهش نرخ سود سپرده، مردم آنها را از این سامانه خارج کرده‌اند. سپرده‌های موجود در بعضی مؤسسات مالی نیز یا آزاد شده یا سوخته که اینها در هجوم نقدینگی به سمت بازارهایی نظیر ارز و سکه و تا حدی مسکن، بی‌تأثیر نیست. اتفاقات دیگری هم رخ داده است.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

به دنبال رونق دخل سینما

حسن سبیلان‌اردستانی
استاد ارتباطات

صنعت سینما، موسیقی، تئاتر، رادیو و تلویزیون پردرآمدترین صنایع در جهان محسوب می‌شوند که همه سرمایه‌گذاران و کارآفرینان درصدد ورود به این حوزه اقتصادی هستند و برعکس در ایران جزء مشاغل پرریسک و زیان‌ده به حساب می‌آیند! علت چیست؟ به نظر می‌رسد نبودن رشته «مدیریت هنری» در دانشگاه‌های ایران، علت آن باشد. در تمام دنیا به هنر به عنوان یک صنعت پول‌ساز نگریسته و برای این صنعت هنری مانند دیگر صنایع تمامی اصول مدیریت به‌ویژه بازاریابی اعمال می‌شود. یعنی علاوه بر تولید هنری، نحوه عرضه و کسب درآمد نیز بخش مهمی است که در صنعت با عنوان بازاریابی مورد توجه قرار می‌گیرد. در زمان برگزاری جشنواره فیلم فجر که همه نگاه‌ها به سینماست، مدیریت و بازاریابی سینما نیز می‌تواند مورد توجه و عنایت دست‌اندرکاران سینما و حوزه‌های مرتبط با آن قرار گیرد.

۱-توجه به نیاز مشتری: در بازاریابی، مخاطب به معنای مشتری است و تمامی ویژگی‌های مشتری درمورد مخاطب سینما نیز باید مورد توجه قرار گیرد. سینمای ایران با این رویکرد که دیگران باید خرج ایده‌های ما را بدهند، هر ایده و تفکری را در دستور کار تولید قرار می‌دهد و به‌تبع میزان فروش، بیشتر فیلم‌ها در ایران هزینه تولید خود را نیز تأمین نمی‌کنند زیرا شهروندان که همان مشتری‌های سینما محسوب می‌شوند، نیازشان با تولیدات کنونی سینمای ایران متفاوت است. مثالی موضوع را روشن می‌کند: براساس آمارها ایرانیان یکی از غمگین‌ترین و خشن‌ترین مردم کشورهای جهان هستند. حال اگر فیلم‌های باکیفیتی نیز مانند «ابد و یک روز» بهترین بازی را هم ارائه دهند، برای بخشی از مشتریان ایرانی فیلم مطلوب محسوب نمی‌شوند؛ چراکه آنها خود با تمامی این مشکلات دست‌به‌گریبان هستند. آنان نیازمند فیلم‌هایی هستند که آرامش و شادی ببخشند و به عبارت دیگر، وضعیت ناگوار کنونی زندگی را تلطیف کنند و امید به آینده داشته باشند.

۲- کیفیت محصول: هزاره سوم به‌کلی با هزاره قبل متفاوت است و جامعه اطلاعاتی و ارتباطی کنونی دسترسی به تمامی محصولات در اقصا نقاط جهان را برای همگان حداقل برای خدمات مهیا کرده است. بنابراین کیفیت محصولات سینمایی عامل مهمی در ارتباطات یکپارچه بازاریابی است و نمی‌توان محصولات با کیفیت پایین را در بلندمدت و در شرایط عادی عرضه کرد. بالابردن کیفیت فیلم‌های سینمایی با توجه به نیازهای شهروندان [بخوانید مشتریان] از مهم‌ترین ابزارها برای فروش خوب فیلم‌های سینمایی است و برای این منظور علاوه بر گسترش و بالابردن سطح آموزشی دانشگاه‌ها، وزارت فرهنگ نیز باید پشتیبانی‌های علمی را برای بالابردن کیفیت فیلم‌های سینمایی ایجاد کنند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

همه علیه تورم ارزاق عمومی

ابوالفضل سروش
نماینده تهران

در فرایند بررسی لایحه بودجه ۱۳۹۷ کشور، کمیسیون تلفیق بند الحاقی ۴ ذیل تبصره ۱۱ را بدون طرح در کمیسیون‌های تخصصی مجلس به تصویب رساند که پس از اعمال اصلاحات اخیر چهار پاراگراف دارد.

۱. پاراگراف اول اگرچه به بند چ ماده ۳۱ قانون برنامه ششم استناد می‌کند، درعین‌حال در مغایرت با همین قانون، ممنوعیت جدیدی را برای محصولات تراریخته وضع می‌کند.

۲. پاراگراف دوم با نقض «قانون ایمنی زیستی»، «بند چ ماده ۳۱ قانون برنامه ششم» و «قانون تمرکز وظایف و اختیارات مربوط به بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی» و قوانین متعدد دیگری (سازمان پدافند غیرعامل) را به فهرست سازمان‌های صادرکننده مجوز محصولات تراریخته (ذرت، سویا، کلزا، خوراک دام، روغن نباتی و پنبه) اضافه و در کمال تعجب وزارت جهاد کشاورزی را حذف می‌کند.

۳. جزء اول پاراگراف سوم، ۱۰ درصد حقوق ورودی محصولات تراریخته مجاز (ذرت، سویا، کلزا، خوراک دام و روغن نباتی و پنبه) را افزایش می‌دهد و جزء دوم آن محل مصرف مبلغ درآمدی را تعیین می‌کند.

۴. پاراگراف چهارم کالای بدون برچسب را «قاچاق کالای مجاز» معرفی می‌کند.

این بند الحاقی از جهات متعددی غیرقابل تصویب و غیرقابل اجرا و در صورت اجراشدن دارای پیامدهای سنگین، از جمله افزایش کمرشکن قیمت ارزاق عمومی است. ایرادات این بند الحاقی به شرح زیر است.

۱. پاراگراف‌های ۱ و ۲ و ۴ اصولا ماهیت بودجه‌ای ندارند و تصویب آنها در خلال قانون بودجه سالانه فاقد وجاهت قانونی است.

۲. پاراگراف‌های ۱ و ۲ با بند چ ماده ۳۱ قانون برنامه ششم و قوانین متعدد دیگر مغایرت آشکار دارند.

۳. اینکه در پاراگراف اول محصولات تراریخته برای مصرف انسان جرم‌انگاری شود، علاوه بر اینکه فاقد ماهیت بودجه‌ای است، با همان بند مورد استناد قانون برنامه ششم که هرگونه ممنوعیتی برای واردات محصولات تراریخته را در چارچوب قانون ایمنی زیستی مقرر کرده نیز در مغایرت آشکار است. در قانون ایمنی زیستی که برنامه ششم نیز بر اجرای آن تأکید کرده است، نه‌تنها واردات و صادرات و تولید و مصرف این‌گونه محصولات مجاز شمرده شده، بلکه طبق ماده ۲ همین قانون، دولت مکلف به فراهم‌کردن تمهیدات لازم برای تحقق این امور نیز شده است. بنابراین در صورت اصرار پیشنهاددهندگان محترم این بند الحاقی، باید ابتدا با دوسوم آرا، قانون برنامه را تغییر داده و ممنوعیت واردات محصولات تراریخته را فراتر از قانون ایمنی زیستی به تصویب رساند و آن‌گاه در قانون مستقلی غیر از قانون بودجه سالانه آن را به آرای نمایندگان محترم مجلس گذاشت.

۴. اینکه در پاراگراف دوم، یک دستگاه جدید به فهرست صادرکنندگان مجوز واردات محصولات کشاورزی و غذایی اضافه شود و درعین‌حال وزارت جهاد کشاورزی که به حکم قانون ایمنی زیستی و قانون تمرکز وظایف و اختیارات مربوط به بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی از فهرست صادرکنندگان مجوز حداقل سالانه پنج میلیارد دلار محصولات کشاورزی حذف شود، حکایتی از دو جنبه تأمل‌برانگیز است: ۱- تعیین یک دستگاه نظامی-امنیتی برای امور روزمره دولتی واردات ارزاق عمومی و ۲- حذف وزارت مسئول قانونی که این امر در نوع خود بدیع و ساختارشکن است. بدیهی است چنانچه نمایندگان از عملکرد وزیر محترم جهاد کشاورزی ناراضی هستند، می‌توانند او را استیضاح کنند و چنانچه معتقدند در هنگام تصویب «قانون ایمنی زیستی» و «قانون تمرکز وظایف و اختیارات مربوط به بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی»، به اشتباه امور مربوط به واردات کالاهای اساسی کشاورزی را به وزارت جهاد کشاورزی واگذار کرده‌اند، می‌توانند نسبت به تغییر قانون و ارائه طرحی دوفوریتی خارج از لایحه بودجه، این مسئولیت را به یک وزارتخانه دیگر دولتی (برای مثال وزارت صنعت، معدن و تجارت) واگذار کنند. حتی در این صورت نیز باید قوانین متعددی مانند قوانین حفظ نباتات و دامپزشکی را که به ترتیب واردات و صادرات هر نوع نبات و اجزای نباتی و حیوانات و حتی جنین و اسپرم آنها را مستلزم اخذ مجوز از وزارت جهاد کشاورزی می‌کند تغییر داده و ساختارهای ذی‌ربط را به دستگاه جدیدی منتقل کنند.

۵. تصویب پاراگراف سوم؛ یعنی افزایش ۱۰ درصدی عوارض گمرکی واردات محصولات تراریخته، با توجه به اینکه موجب افزایش ناگهانی و زیاد قیمت ارزاق عمومی و نارضایتی گسترده می‌شود و بر اقشار محروم و مستضعف فشار وارد می‌کند به مصلحت نیست.

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

تبدیل تهدید به فرصت

مرتضی الهداد
معاون اقتصادی اتاق بازرگانی ایران

مذاکرات سیاسی و دیپلماتیکی که منجر به صدور و امضای سند «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) شده است، بدون اغراق بزرگ‌ترین گفتمان اثرگذار در سطح روابط بین‌المللی در دوران معاصر بوده و هیچ مذاکراتی در جهان سیاست از نظر تعدد دفعات ملاقات‌ها، تعداد افراد شرکت‌کننده، مسافت‌های طی‌شده، سطح مقامات شرکت‌کننده، مدت‌زمان گفت‌وگوها و... با آن برابری نمی‌کند. مذاکرات صلح وستفالی در قرن هجدهم، مذاکرات کنفرانس یالتا و تهران بعد از جنگ دوم جهانی، گفت‌وگوهای مربوط به تشکیل سازمان ملل متحد و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، معاهده‌های ناتو و ورشو و... در زمره گفت‌وگوهای جهانی است که هیچ‌کدام از نظر اهمیت و توان و انرژی به‌کار گرفته‌شده قابل‌مقایسه با برجام در قرن بیست‌ویکم نیست. حال جای بسی تأسف است که پس از این‌همه کوشش و همکاری و حسن‌نیت نشان‌داده‌شده برای رسیدن به چنین سندی، یک ذهن بیمار با پیش‌داوری‌های نابخردانه و لجوجانه اعتبار این سند را که پذیرش بین‌المللی داشته و به تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسیده است، زیر سؤال می‌برد. در این زمینه، وزیر امور خارجه ایالات متحده، پس از آخرین هجمه‌های رئیس‌جمهور این کشور به برجام در کنفرانس داووس در سوئیس و رایزنی با کشورهای انگلستان، آلمان و فرانسه، بازنگری و اضافه‌کردن نکاتی را به سند برجام زمزمه کرده و در حال کسب توافق و تفاهم با این سه کشور است. جامعه اقتصادی اروپا نیز از یک‌سو به لحاظ حرمت پروتکل‌ها و گفت‌وگوهای بین‌المللی و قبول‌نکردن سی است‌های حمایت‌گرانه(Protectionism) و مداخلات تک‌رَوی‌گونه ایالات متحده و ازسوی‌دیگر به لحاظ وجود روابط تنگاتنگ با اقتصاد آمریکا و حجم عظیم مبادلات دلاری با بانک‌های آمریکایی بر سر یک دوراهی قرار گرفته و دچار سردرگمی شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز تاکنون در مقابل بازنگری این سند مقاومت کرده و راهکارهای گوناگونی را در صورت بروز شرایط جدید، چه در قالب سند برجام و چه در سایر زمینه‌ها پیش‌رو دارد. در صورت کوتاه‌آمدن جامعه اقتصادی اروپا در مقابل فشارها و زورگویی‌های ایالات متحده و تن‌دادن به عدول از مفاد برجام به دلیل این فشارها، یکی از واکنش‌های ایران می‌تواند برخورد حقوقی شکلی در چارچوب برجام و ارجاع موضوع به مکانیسم حل‌وفصل اختلافات در قالب مواد ۳۶ و ۳۷ سند برجام باشد.

ادامه در صفحه ۴

همراهان امروز روزنامه شرق

رجوع به صفحه ۲ — آزادگان

رجوع به صفحه آخر — بانک رفاه کارگران

رجوع به صفحه ۳ — HUBLOT

رجوع به صفحه ۱۵ — آسیاتک

سازمان آگهی‌ها ۸۸۷۹۲۴۳۴ - ۸۸۱۹۲۸۷۷